

اجلاس ۷ کشور امپریالیستی به علاوه روسیه

کرده و در صدور بیانیه نهایی دست داشتند. در بیانیه گردهمایی موضع گیری رهبران کشورهای شرکت کننده در باره مسایل عمده و وسیعی از قبیل بازگردانیدن هنگ کنگ به چین، دولت جمهوری دموکراتیک کنگو، اصلاحات در آفریقا و پروسه صلح خاورمیانه و حقوق بشر در ایران مطرح گردید. از مشخصه های بارز بیانیه لحن خشن آن در رابطه با چین و جمهوری دموکراتیک کنگو می باشد که به نوعی تهدید علیه جهت گیری های این دو کشور تلقی می گردد. بیانیه ۸ کشور به چین اخطار می دهد که باید به تعهداتی که در بیانیه مشترک سال ۱۹۸۴ با انگلستان در رابطه با هنگ کنگ قبول کرده است، احترام بگذارد. رهبران کشورهای امپریالیستی با انگشت گذاردن روی مساله خودگردانی و آزادی های اساسی ادامه موفقیت اقتصادی

اجلاس سالانه گروه ۷ کشور عمده سرمایه داری جهان در روزهای ۳۱ خرداد و اول تیر ماه در شهر دنور در ایالات متحده برگزار شد. رهبران کشورهای امپریالیستی جهان برای نمایش حمایت خود از بوریس یلتسین، رئیس جمهور بی لیاقت و سرسپرده روسیه او را نیز به اجلاس خود دعوت کرده بودند. یلتسین امیدوار است که با تکیه به خیانتش در فروپاشی اتحاد شوروی امپریالیسم جهانی کرسی ای برای او در نظر بگیرند و از سال آینده این اجلاس به گردهمایی ۸ کشور بدل شود. کشورهای سرمایه داری نشان داده اند که فقط تا جایی که برای آنها مفید است از چهره هایی چون یلتسین استفاده می کنند. در اجلاس دنور- یلتسین در بخشی از مذاکرات که به مسایل عمومی جهانی مربوط بود شرکت داشت، لیکن در رابطه با مسایل اقتصادی و مالی جهان فقط وزرای ۷ کشور اصلی بودند که در اجلاس شرکت

ادامه در ص ۶

اعتراض وسیع دانشجویان علیه محاکمه اساتید دانشگاه تهران و عملکرد قوه قضائیه
خطر اعدام جان زندانیان سیاسی را تهدید می کند
شرایط اقتصادی کشور، از ادعاهای دروغ تا واقعیات تلخ!
گرایش به چپ در صحنه سیاست اروپا

در ص ۲
در ص ۲
در ص ۶، ۵، ۴
در ص ۸

حزب توده ایران محاکمه فرمایشی فرج سرکوهی را محکوم می کند

در این نامه پیش بینی کرده بود که رژیم قصد دارد وی را به جرم «جاسوسی» و اعمال «منافی عفت» محاکمه کند. فرج سرکوهی در همین نامه افشاگرانه اشاره کرده بود که رژیم زیر شکنجه های شدید او را وادار به اعتراف های تلویزیونی پیرامون جاسوسی برای دولت آلمان و داشتن تماس با مأموران سفارت این کشور در ایران کرده است.

محاکمه فرج سرکوهی که تنها جرمش دگراندیش بودن است بار دیگر نشان دهنده ماهیت عمیقاً ضد مردمی دستگاه های قضایی رژیم «ولایت فقیه» است که تاکنون صدها انسان مبارز و آزادی خواه را به جرم های واهی «جاسوسی» به وحشیانه ترین شکل شکنجه و آزار داده است و سپس به جوخه های اعدام سپرده است. مبارزه با دادگاه فرمایشی رژیم علیه فرج سرکوهی و افشاکاری علیه آن در درون و خارج از کشور وظیفه همه نیروهای ملی و آزادی خواه است که در راه آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مبارزه می کنند.

محمد یزدی در تهران اعلام کرد که فرج سرکوهی، که مدتها قبل توسط مأموران وزارت اطلاعات رژیم از فرودگاه تهران ربوده شد و پس از شکنجه های وحشیانه وادار به «اعترافات» گوناگونی از جمله جاسوسی گردیده است، در تهران محاکمه می شود. رئیس قوه قضائیه در حین اعلام این خبر مهمترین اتهام فرج سرکوهی را «جاسوسی» ذکر کرد و گفت «اتهامات جانبی دیگری نیز در این پرونده وجود دارد که حفظ حقوق عمومی اجازه بازگویی آن را نمی دهد... فرج سرکوهی و وکیل مدافعش می توانند پس از صدور رای دادگاه نسبت به آن اعتراض کنند». لازم به تذکر است که فرج سرکوهی در مدت کوتاهی که پس از ماجرای ربوده شدن خود آزاد بود توانست با ارسال یک نامه افشاگرانه به خارج از کشور پرده از توطئه کثیف وزارت اطلاعات رژیم و تلاش آن برای معامله با دولت آلمان بر سر محاکمه تروریست های رژیم در دادگاه میکونوس برداشت. فرج سرکوهی

نامه مردم از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۰۹، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۰ تیر ۱۳۷۶

ایران پس از انتخابات سخنی پیرامون وظایف نیروهای ملی و دموکراتیک

انتخابات خرداد ماه ریاست جمهوری و شرکت عظیم توده ها در آن به منظور نه گفتن به نامزد «ولایت فقیه» و روحانیت حاکم، در کنار خواست روز افزون مردم برای تغییرات اساسی در جهت استقرار آزادی، و عدالت اجتماعی و همچنین اثرات و نتایج تکان دهنده این نظر سنجی عمومی در درون نیروها و جناح های حاکمیت در مجموع شرایط نوینی را در کشور ایجاد کرده است که محتاج بررسی و ارزیابی مجدد است. نهضت عظیم توده ای در مخالفت آشکار با خواست ها و نیت سران رژیم برای حرکت به سمت «اسلامی تر» کردن هرچه بیشتر حیات کشور و ادامه و تشدید سرکوب حقوق آزادی های دموکراتیک و انتظارات بزرگی که این نهضت در درون جامعه پدید آورده است، از جمله بحث های مهم و حساسی بوده است که در هفته های اخیر در تمامی محافل سیاسی از جمله در درون و پیرامون حاکمیت ادامه یافته است. سران رژیم با عوام فربیی های همیشگی خود این آراء را در جهت «نظام»، «اسلام» و «ولایت فقیه» قلمداد کردند و از این رو نیز تلاش می کنند تا این نظر سنجی را رأی مثبتی به سیاست ها و حرکت های اعمال

ادامه در ص ۳

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



اعتراض وسیع دانشجویان علیه محاکمه اساتید دانشگاه تهران و عملکرد قوه قضائیه

بر اساس گزارش‌های رسیده روز سه شنبه ۳ تیرماه در اعتراض به مذاکرات محمد جواد لاریجانی با مقامات انگلستان و نیز صدور حکم دادگاه علیه دو تن از اساتید دانشگاه، از سوی انجمن‌های اسلامی دانشجویان تجمع اعتراض آمیزی در مسجد دانشگاه تهران برگزار شد. در جریان این حرکت اعتراضی، ابوالفضل فاتح یکی از اعضای شورای مرکزی انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران در سخنرانی خود ضمن اعتراض شدید به «مذاکرات ذلت بار» لاریجانی با مقام‌های دولت انگلیس از جمله گفت: «لاریجانی در مذاکرات ذلت بار خود به انقلاب و ارزش‌های انقلاب اهانت کرده و به جای آنکه در دادگاه قضایی، وی محاکمه شود، معترضان به وی در محکمه ویژه محاکمه می‌شوند... قوه قضائیه با این عمل خود در مقام پناهگاه ملت اجرای عدالت را مخدوش کرده است... وای به حال روزی که مشاهده شود منادیان عدالت و دستگاه‌هایی که باید عدالت را اجرا کنند در مواجهه با مهم‌ترین مسائلی که ارزش‌های انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، وارد بحث‌های سیاسی، خطی و جناحی شوند...». این حرکت اعتراضی با صدور قطعنامه هشت ماده‌ای عملکرد قوه قضائیه در این زمینه را بشدت به باد انتقاد گرفت.

محمد یزدی، از چهره‌های سرشناس جناح رسالت و رییس قوه قضائیه در یک مصاحبه طولانی مطبوعاتی در تهران (سه شنبه ۳ تیرماه) ضمن رد اعتراض دانشجویان و در پاسخ به سوالات خبرنگاران روزنامه رسالت و سلام از جمله گفت: «مصاحبه لاریجانی در لندن مربوط به قوه قضائیه نیست ولی لاریجانی از دونفر به اتهام نشر اکاذیب، تهمت و افترا شکایت کرده که مطابق قوانین به این شکایت رسیدگی و رای صادر شد... مسأله تظاهرات دانشجویان به وزارت کشور مربوط است، و دانشجویان نیز اگر اعتراضی دارند، می‌توانند شکایت کنند. در هیچ مسأله حقوقی نامه سرگشاده قابل قبول نیست چرا که باید دارای امضاء باشد تا بتواند پاسخگوی مسایل بعدی نیز باشد... دستگاه قضایی وظیفه ندارد در مورد مصاحبه لاریجانی اظهار نظر کند و

من هم در مقامی نیستم که بخواهم در مورد این مصاحبه موضع‌گیری کنم...».

• در پی سخنان ناطق نوری که در مجلس شورای اسلامی گفته بود مذاکراتی بدتر از لاریجانی وجود داشته و با آن برخوردی صورت نگرفته است، اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان با صدور بیانیه‌ای خواستار روشن شدن این موضوع گردید. در این اعلامیه از نمایندگان مجلس خواسته شده است مذاکرات لاریجانی در لندن را محکوم کنند.

خطر اعدام جان زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند - زندانیان سیاسی شیراز و اصفهان در اعتصاب غذا

بر اساس اطلاعاتی «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران»، خطر مرگ جان‌گروهی از زندانیان سیاسی در ایران را تهدید می‌کند. در اطلاعاتی این انجمن می‌خوانیم: «حاکم شرع سه تن از هواداران سازمان فدائیان خلق (اقلیت) به نام‌های حسن کریمی نیا، مهرداد احسانی و سعید جواد را که از اردیبهشت سال ۱۳۷۰ در زندان بسر می‌برند به اعدام محکوم کرده است.

بر اساس همین گزارش در هفته‌های اخیر گزندگان امنیتی رژیم در ادامه یورش به کارگران مترقی ۱۹ تن از کارگران تراکتور سازی تبریز را که همگی سابقه فعالیت سیاسی داشته‌اند دستگیر کرده است. همچنین در یک یورش مشابه ۴ تن از نفتگران به اسامی کریم حاج محمدی، مجید ریاحی، مسعود نیکخواه و مرتضی علی بور به همراه دو نفتگر دیگر بازداشت شده‌اند. لازم به تذکر است که هم اکنون ۲۸ تن از کارگران مبارز نفت در بند ۳۲۵ اوین زندانی هستند.

در اطلاعاتی انجمن دفاع از زندانیان همچنین آمده است که در اعتراض به تشدید فشارها علیه زندانیان سیاسی، زندانیان سیاسی زندان‌های عادل آباد شیراز و اصفهان از تاریخ ۱۶ خرداد دست به اعتصاب غذا زده‌اند و این اعتصاب غذای قهرمانانه همچنان ادامه دارد.

جاسوس داریم تا جاسوس

در هفته‌های اخیر مقامات قضایی ایران پرده از روی یک «ماجرای جاسوسی» دیگر در عالی‌ترین رده‌های رهبری سپاه پاسداران برداشتند که بسیار جالب توجه است. بر اساس ادعای یونسی رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح «بیژن شفق (سردار سرتیپ) یکی از فرماندهان مستعفی سپاه پس از یک اختلاس یک میلیارد تومانی به خارج از کشور گریخت که با تلاش ماموران اطلاعاتی سپاه و دادسرای انتظامی تهران به کشور برگردانده شد [!!]...». بر اساس گزارش یونسی «در اولین مرحله رسیدگی به پرونده شفق، نامبرده به جرم

ارائه اطلاعات محرمانه به بیگانگان به ۱۰ سال حبس محکوم شد...».

نکات جالبی که از این گزارش می‌توان استنباط کرد این است که چرا رژیم تاکنون پرده از روی این ماجرای عجیب جاسوسی در هرم رهبری سپاه برنداشته است و هنوز نیز روشن نیست که «سردار سرتیپ شفق» برای کدام «بیگانگان جاسوسی» می‌کرده است و در کشوری که جوانان ۱۵ ساله به جرم‌های واهی «جاسوسی» به اعدام محکوم می‌شوند یکی از فرماندهان عالی‌رتبه سپاه به جرم «جاسوسی» و اختلاس یک میلیارد تومانی تنها به ده سال زندان محکوم می‌شود. همه شواهد و قرائن حاکی از زد و بند‌های وسیع پشت پرده و اختلاس‌های ده‌ها میلیون دلاری می‌کند که قاعدتاً می‌بایست پای تعدادی از ماموران رژیم در آن گیر باشد که بعداً حتماً بر ملا خواهد شد.

مهاجرانی: ما بر سر کابینه جدید اختلاف نداریم

عطاالله مهاجرانی، یکی از اعضای گروه کارگزاران ضمن اعلام اینکه گروه کارگزاران به هیچ وجه در پی سهم خواهی در دولت آینده نیست، اعلام کرد که برخلاف شایعات اختلافی میان کارگزاران و «مجمع روحانیون مبارز» پیرامون ترکیب کابینه آینده وجود ندارد و طرفین پیشنهادهای خود را جداگانه به صورت مشورتی به دکتر خاتمی ارائه داده‌اند.

مهاجرانی همچنین در این مصاحبه که در روزنامه همنشهری چهارشنبه ۴ تیرماه منتشر شده است اعلام کرد که کار تشکیل یک حزب سیاسی توسط کارگزاران به مراحل انتهایی آن رسیده است و مسأله ثبت و اخذ پروانه رسمی برای جمعی از کارگزاران توسط هیأت موسس تصویب شده و آنها در حال حاضر سرگرم بررسی پیش نویس اساسنامه و مرامنامه برای این حزب هستند. نامبرده پیش‌بینی کرد که این مراحل تدارکاتی تا شهریورماه خاتمه یافته و کارگزاران می‌توانند تا پایان شهریورماه از وزارت کشور پروانه فعالیت رسمی بگیرند.

رفسنجانی صدام حسین را به تهران دعوت کرد

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی رفسنجانی در پیامی که توسط مرندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در بغداد تسلیم دولت عراق شد، از صدام حسین دیکتاتور این کشور برای شرکت در هشتمین اجلاس سران کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی که آذرماه سال ۱۳۷۶ در تهران برگزار می‌شود دعوت به عمل آورد. بر اساس همین گزارش «رییس جمهوری عراق آمادگی بغداد را برای بهبود و گسترش روابط با ایران اعلام کرد و مرندی نیز بر علاقمندی تهران نسبت به حل مسائل انسانی میان دو کشور و گسترش روابط مردمی و وحدت و تمامیت ارضی عراق تأکید کرد».

ادامه ایران پس از انتخابات...

شده در هشت سال گذشته وانمود کنند و بدین ترتیب هرگونه ضرورت و خواستی برای تغییر در امور را نفی نمایند. سخنان رفسنجانی، خامنه ای و ناطق نوری در هفته های اخیر همگی با تفاوت های ناچیزی موبد این نظر است. در مقابل این حرکت برخورد اکثریت نیروهای ملی، دموکراتیک و توده های عظیم مردمی است که در انتخابات شرکت کردند و انتخابات ریاست جمهوری را به مثابه رفراندومی علیه رژیم و بازتاب خواست خود در نفی و طرد استبداد، خودکامگی به خاطر استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ارزیابی می کنند.

انعکاس جسته و گریخته خواست های توده های شرکت کننده در انتخابات در لابلای صفحات نشریات مجاز کشور به روشنی نشانگر پذیرش چنین برداشت و ارزیابی از انتخابات توسط اکثریت مردم میهن ما است. به قول تعداد زیادی از تلفن کنندگان به ستون «الو سلام» مردم به قول های استقرار «جامعه مدنی»، «قانونیت»، «اجرای قانون اساسی» و توجه به مسایل و مشکلات زنان و جوانان رأی دادند و نه به «ذوب شدن» هرچه بیشتر در «ولایت فقیه» و «اسلامی تر» کردن هرچه بیشتر حیات جامعه. مردم خواهان برچیده شدن بساط سرکوب ظلم و تعدی مزدوران رژیم، خواهان تحقق آزادی، حرکت به سمت استقرار جامعه مدنی و مهمتر از همه خواهان استقرار عدالت اجتماعی هستند.

مسأله ای که باید امروز مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد این است که در چنین شرایطی وظایف نیروهای ملی و دموکراتیک چیست و چگونه می توان در جهت تحقق این آرمان ها حرکت کرد.

آیا می توان امیدوار بود که رژیم «ولایت فقیه» در یک روند خودبخودی تن به فرم و آنچه تغییرات بنیادین بدهد که پاسخگوی خواست توده ها در جهت تحقق آرمان های بالا باشد؟ آیا می توان امیدوار بود که تنها با تغییری در «بالا» مجموعه رژیم و عملکردهای آن تغییرات اساسی نماید؟ به گمان ما، همه شواهد و قرائن و مهمتر از همه تجربه هجده سال حکومت جناح های گوناگون جمهوری اسلامی به سوؤال های بالا پاسخ منفی می دهد. ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در ارزیابی مفصلی از شرایط کشور به این نتیجه مهم رسید که: «میهن ما به سمت تنش ها، برخوردها و درگیری های جدید در سطح جامعه در حرکت است.

تلاش های جناح های حاکم برای قبضه قدرت سیاسی در شرایط اوج گیری مخالفت ها چه در درون نیروهای طرفدار رژیم جمهوری اسلامی و چه در درون جامعه نمی تواند بدون برخورد و درگیری به نتیجه برسد. چنین جنبشی می بایست شعارهای مشخص مطالباتی داشته باشد و نه اینکه در دفاع از این شخص و یا افراد رانده شده از حاکمیت سازماندهی شود. شعارهای مشخص مطالباتی مانند پایان دادن به سیاست «تعديل اقتصادي»، تقسیم عادلانه ثروت و مبارزه با فقر و محرومیت، پایان دادن به نقش ارگان های سرکوبگر، از جمله سیاه، کمیته ها، بسیج و وزارت اطلاعات و مبارزه با نهاد «ولایت فقیه» به عنوان مظهر استبداد و دیکتاتوری در کشور، از جمله عرصه هایی

است که می توان نیروی عظیم اجتماعی را گرد هم آورد...» (از اسناد ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - نامه مردم ۵۰۲ - ۶ فروردین ۱۳۷۶).

تجربه انتخابات بار دیگر نشان داد که توده های مصمم توان آن را دارند که رژیم را با شکست های بزرگ روبرو کنند و خواست های خود را به حاکمیت استبدادی تحمیل کنند. ما در هفته های اخیر متذکر شدیم که تمامی تلاش های سران رژیم متوجه حفظ «نظام» و زیر پا گذاشتن خواست وسیع توده ها برای تغییر است. فریاد «وحدت برای حفظ نظام» از درون محافل گوناگون حاکمیت و انتخاب مجدد ناطق نوری به ریاست مجلس، با توافق پشت پرده جناح های مختلف حاضر در مجلس، علی رغم دست ردی که مردم به سینه او به عنوان نماینده حاکمیت زده بودند نشانگر این تلاش ها است که در تضاد آشکار با خواست های مردم است.

توان مردم بسیج شده در دوران انتخابات نیروی عظیمی است که می بایست آن را در صحنه نگاه داشت. بی تردید رأی و نظر قاطع و محکوم کننده مردم در انتخابات ریاست جمهوری بزرگترین شکست دوران هجده ساله رژیم ولایت فقیه است. هرچند ناطق نوری، نامزد جناح راست سنتی شکست خود را در انتخابات به ناچار و به ظاهر پذیرفت، لیکن این رژیم حاکم استبدادی است که باید شکست خود را در قبال اراده و خواست توده ها بپذیرد. از آنجا که عصاره و محتوای خواست اکثریت قاطع مردم میهن ما در این حرکت تاریخی آزادی، اجرای قانون و دست یابی به حقوق مدنی شایسته است، و از آنجا که استبداد قرون وسطایی در تقابل و تعارض با چنین خواستی توانسته است قوام و شکل بگیرد و به حیات تاریک خود ادامه دهد، امید به پذیرش دواطلبانه شکست از سوی سرکردگان رژیم و کلان سرمایه داری تجاری و غارتگران توهمی بیش نیست. تنها استمرار حضور روز افزون توان عظیم مردمی با خواست های روشن و برحق آن در صحنه است که زمینه تحولات مترقی، دموکراتیک و عادلانه را در میهن ما ممکن می سازد.

در این روزها، اخبار و شواهد فراوان حاکی از آن است که رژیم حاکم برای تثبیت وضع و موقعیت جناح راست سنتی در قوه اجرایی کشور همه گونه ریاکاری و اهرم های فشار خود را به کار گرفته است و جناح رسات سنتی چهره خشمگین و خصمانه خود را هرچه بیشتر به نمایش گذاشته است. نتیجه رزم انتخاباتی مردم در زمینه مجموعه نبرد آنها علیه رژیم ولایت فقیه است که می تواند خود را تثبیت کند و آن نیز جز با تحرک جسورانه جنبش مردمی علیه استبداد و تاریک اندیشی امکان پذیر نیست. آگاهی مردم از همبستگی خود در رد ضوابط ارتجاع حاکم و نمایش و تجلی آن در انتخابات این زمینه را برای آنها هموارتر کرده است. وظیفه نیروهای مترقی و دموکراتیک افشاگری دقیق و پیگیر مانورهای گمراه کننده و تخدیر کننده افسوسناگران رژیم است. مردم آزادی، حکومت قانون و عدالت اجتماعی می خواهند.

ادامه: گرایش به سمت چپ

گوید و نه به سود طلبی های سرمایه داری بزرگ.

پیروزی حزب سوسیالیست فرانسه با تعهد به دفاع از سیستم رفاه اجتماعی، توقف روند خصوصی سازی بخش عمومی ایجاد ۷۰۰۰۰ کار، کاهش ساعات کار هفتگی و افزایش حداقل حقوق ممکن گردید.

حزب کمونیست همراه با توده ها خواهان قدم های بزرگ تری به چپ مخصوصا برای کاهش مالیات برای کارگرانی که دستمزد پایین دارند و افزایش برای ثروتمندان می باشد. همانند گذشته هنگامیکه کمونیست ها و سوسیالیست ها با هم در دولت بودند مبارزه بر سر اجرای سیاست های چپ محتمل است و در اینجا نیز عملکرد تمایلات توده ها است که موثر خواهد بود.

یکی از نتایج برجسته گرایش چپ که اکنون با پیروزی نیروهای سوسیالیست- کمونیست و متحدانش تقویت شده است ایجاد حرکتی در اتحادیه اروپا برای وسعت دادن به «فصل اجتماعی» قرارداد ماستریخت می باشد. «فصل اجتماعی» مجموعه ای از شبه حقوق برای کارگران و اتحادیه های کارگری است که به قرارداد ماستریخت پوشش دموکراتیکی بدهد. اکنون پیشنهاد شده است که بندی در مورد حقوق اشتغال به آن اضافه شود که حقوق کاری را برای زحمتکشان تضمین می کند. مسأله بیکاری یکی از مسایل اصلی است که در اعتصابات و تظاهرات ها در دوره اخیر مطرح شده است. ژوسپین اعلام کرده است که تصویب این بند در مورد حقوق اشتغال یک شرط پیوستن فرانسه به واحد پول مشترک اتحادیه اروپا است.

این متمم به «فصل اجتماعی» بزرگی بیش نخواهد بود مگر اینکه در یک برنامه عمل واقعی رادیکال پیاده شود زیرا این امر به یکی از پایه های ساختار استثمار کاپیتالیسم اروپای متحد، یعنی حفظ بیکاری وسیع به منظور فشار وارد نمودن به دستمزدها و سازماندهی کارگری، ضربه خواهد زد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

شرایط اقتصادی کشور، از ادعاهای دروغ

تا واقعیات تلخ!

بزنند. این تذکر کوچک نیز لازم است که در آن هنگام هم رفسنجانی و هم دکتر عادل رییس وقت بانک مرکزی مدعی بودند که نرخ برابری ریال با دلار در کمال راحتی در حد هر دلار ۱۵۰ تومان حفظ خواهد شد.

علیرغم هیاهوی تبلیغاتی گردانندگان جمهوری اسلامی، شرایط اقتصادی کشور هم چنان بحرانی و بیمار است و هیچ نشانه ای از بهبودی در آن پدیدار نیست! وضع زندگی و معیشت مردم بعنوان مهمترین و اصلی ترین شاخص سلامتی و کارایی یک برنامه و عملکرد اقتصادی، بیش از پیش رو به وخامت گذاشته است. از ابتدای سال گذشته، دولت رفسنجانی در راستای مهار بحران فزاینده و پیش گیری از وخیم تر شدن اوضاع، دست به یک سلسله اقدامات پیش گیرانه به منظور ایجاد محمل های ضرور با هدف تسهیل در امر اجرای سیاست ضد ملی «تعدیل اقتصادی» زد، این اقدامات که تبلیغات حکومتی با انواع جملات فریبنده آن را در جهت «مهار تورم»، «ثبات قیمت ها»، «رشد تولید ناخالص ملی»، «افزایش صادرات غیر نفتی»، «افزایش سهم صنعت در درآمد ملی» و غیره نشان می دادند، مجموعه تدابیری بودند که رژیم برای حفظ موقعیت خود و فایز آمدن بر نارضایتی اجتماعی اجبارا نیازمند اعلام آن ها بود. این واقعیت را محسن نوربخش در سال گذشته آشکارا چنین بیان کرد: «ما این سیاست ها را در واقع در ادامه همان سیاست های کلی می دانیم که بحث تعدیل اقتصادی می باشد و این سیاست ها را هم ابزاری می دانیم برای کنترل کردن وضعیت و خنثی کردن آثار نامطلوب اقتصادی که در حال بروز بود، تا از آن شرایط عبور کنیم و مجددا در شرایط مطلوب، همان برنامه ها ادامه پیدا کند...!»

در زمینه اجرای سیاست «تعدیل اقتصادی» که به دستور صندوق بین المللی پول در میهن ما پیاده می شود رژیم ولایت فقیه برای اثبات پایبندی خود به آن و دیگر فرامین امپریالیسم از هر فرصتی سود جست. در نشست سالانه مشترک بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که در سال پیش در واشنگتن برگزار شد تمام مساعی هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی به نشان دادن میزان سرسپردگی به دستورات این نهاد سرمایه داری مصروف شد. یکی از آخرین اعلام وفاداری جناح های حکومتی به این نهادهای امپریالیستی سخنان محمد جواد لاریجانی دبیر شورای امنیت ملی رژیم در لندن، پایتخت انگلستان بود. تأکیدات جدی و پافشاری گستاخانه بر تسریع در امر خصوصی سازی، اصلاح ساختار اداری، و تعدیل نیروی انسانی از سوی لاریجانی در واقع اعلام میزان فرمانبرداری جناح ماوراء ارتجاعی حجتیه - رسالت به امپریالیسم می باشد و نشان گر ژرفای سرسپردگی و خدمت گذاری رژیم ولایت فقیه به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است!

مهمترین شاخص های عملکرد رژیم در مسایل اقتصادی در سال گذشته عبارتند از صنعت نفت، تورم، ورشکستگی مالی و سیستم بانکی، در هر یک از این زمینه ها کارنامه جمهوری اسلامی جز شکست چیز دیگری در بر ندارد. اقتصاد تک محصولی کشور و وابستگی کامل به در آمد حاصل از فروش نفت، بدون پدید آمدن کوچکترین محمل و پیش زمینه ای برای گسترش صادرات غیر نفتی به ویژه در صنعت و کشاورزی، ادامه یافته و تعمیق پذیرفت! در سال گذشته شاهد بودیم، پرده از بحران ژرف و خطرناک در صنعت نفت و گاز برداشته شد و مسئولین رژیم به گوشه هائی از این بحران به ناچار اعتراف کردند، بحران صنعت نفت ایران تاثیر مستقیم بر درآمد ارزی کشور دارد. معضل آن چنان ریشه دار است که به گواهی آمار

نوربخش رییس بانک مرکزی در گزارشی که به هفتمین کنفرانس سیاست های پولی و بانکی ارائه کرد شرایط اقتصادی کشور را بسیار عالی و در حال رشد توصیف کرد (همشهری چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۷۶). وی مدعی شد که رشد تولید ناخالص به قیمت ثابت سال ۷۴ معادل ۴/۵ درصد و در سال ۷۵ معادل ۵/۲ درصد بوده است. نامبرده همچنین مدعی شد که نرخ تورم از ۴۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۲۳/۲ درصد در سال ۷۵ تنزل یافته است و امسال نیز از ۲۰ درصد فراتر نخواهد رفت.

در کنار این ادعاهای نوربخش، رسانه های گروهی کشور نیز با استناد به گزارش بانک جهانی پیرامون شرایط اقتصادی ایران، به قلمفرسایی پیرامون وضعیت اقتصادی و «معجزات» رخ داده در این عرصه پرداختند. روزنامه کیهان در مقاله مفصلی (۲۰ و ۲۱ خرداد ۱۳۷۶) در ارزیابی شرایط اقتصادی کشور از جمله یادآور شد: «نوکیس ها فربه می شوند، کم درآمد ها رنجور. آنچه که اکنون در ایران اسلامی می گذرد با آرمان ها، اعتقادات و شایستگی این کشور بسیار فاصله دارد. ایجاد طبقه ای جدید که از سرمایه های بادآورده بهره مند شده اند و شکل گیری قشر فقیری که پیوسته در جهت فقر زدایی آنها تلاش های صوری به عمل می آید حاصل برنامه هایی است که پیش ترها در کشورهای ورشکسته بعد از جنگ جهانی دوم تجربه شده است. آیا اجرای برنامه های پنج ساله هدفی جز سودآوری، آنهم برای قشر سرمایه دار دارد؟». روزنامه کیهان همچنین در برخورد با آمار ارائه شده از سوی بانک جهانی که براساس آن رقم تولید ناخالص ایران را ۳۵۰ میلیارد دلار و سرانه آن را ۵ تا ۶ هزار دلار برآورد کرده است، می نویسد تولید ناخالص ما در سال گذشته به دلار ۳۰۰ تومانی کمتر از یک هفتم رقمی است که بانک جهان اعلام کرده است. روزنامه همشهری که مقاله کیهان را حمله روشنی به جناح کارگزاران سازندگی ارزیابی می کند در مقاله چهارشنبه ۷ تیر ماه ضمن تلاش برای پاسخ دادن به این «اتهامات» کیهان توضیحات جالبی ارائه می دهد که از جمله می توان به این بخش آن توجه کرد: «در مورد نرخ واقعی و موثر دلار در ایران و تفاوت آن با نرخ رسمی نیز کیهان راه خطا پیموده است. اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان و متخصصان اقتصادی ایرانی و خارجی [!!] قیمت واقعی دلار در برابر ریال را بسیار کمتر از ۳۰۰۰ ریال کنونی و حتی در حدود ۱۰۰۰ ریال برآورد می کنند، زیرا - بسیار ساده - قدرت خرید ریال در ایران بسیار بیشتر از نرخ برابری ظاهری آن با ارزهای معتبر است. مثلاً به قیمت رسمی ۳۰۰ تومان، با یک دلار در ایران می توان حدود ۱۷ لیتر بنزین خرید، حال آنکه با همین مبلغ در اتریش تنها ۰/۷ لیتر بنزین قابل خریداری است!!! واقعا که باید به این همه هوش و ذکاوت و قدرت تحلیل اقتصادی سرمقاله نویس همشهری تبریک گفت که برای نشان دادن ارزش برابری ریال قیمت بنزین در کشوری را که روی چاه های نفت نشسته است با کشوری که همه محصولات نفتی خود را از خارج وارد می کند میزان و ملاک داوری قرار داده است. روزنامه همشهری بهتر است روشن کند که با یک دلار ۳۰۰ تومان مثلاً چند کیلو گوشت می توان در ایران خرید و نکته دوم اینکه اگر این میزان واقعی برابری ریال است روشن نیست که چرا بانک مرکزی دولت آقای رفسنجانی ناچار است برای جلوگیری از نزول هرچه بیشتر قیمت ریال تا حد هر دلار ۱۰۰۰ تومان خرید فروش دلار را غیر قانونی اعلام کند و در واقع زیر قول آزاد شدن ارز و از بین رفتن سیستم چند نرخ ارز (ارز دولتی و غیر دولتی) که آقای رفسنجانی با هیاهوی بسیار به هنگام ارائه بودجه سال ۱۳۷۰ به مردم داد،

ادامه شرایط اقتصادی کشور ...

رسمی منجر به کاهش تولید نفت ایران در اوپک شده است. محسن یحوی یکی از اعضای پرفوذ هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران به صراحت اعتراف نمود که «ایران در طول سال ۱۹۹۶ میلادی روزانه ۸۰ هزار بشکه کمتر از سهمیه خود در اوپک نفت تولید کرده است. وی یادآور شد در صورت عدم تخصیص اعتبارات لازم و در درجه اول بودجه کافی در سال آینده میلادی کاهش استخراج و تولید نفت به روزانه ۱۱۰ هزار بشکه کمتر از سقف اوپک خواهد رسید.

در این زمینه کارشناسان داخلی و خارجی، هشدار داده اند که ادامه بحران در صنعت نفت و گاز منجر به آن می شود که ایران تا سال ۲۰۰۵ اجباراً نفت از خارج وارد خواهد کرد. جالب اینجا است که در همین رابطه، رهبران رژیم ولایت فقیه از ابتدای سال گذشته، تبلیغات دروغین پیرامون افزایش درآمد ارزی از افزایش قیمت نفت به راه انداختند. ارزیابی رژیم این بود که بازار جهانی نفت و سیر صعودی قیمت ها آن چنان خواهد بود که درآمد ارزی بیش از پیش بینی در برنامه خواهد بود. این ارزیابی خیلی زود به یاس بدل شد. قیمت نفت در بازار جهانی سیر صعودی نپیمود. طبق آخرین خبر انتشار یافته، از آغاز ژانویه سال ۱۹۹۷ قیمت نفت خام در بازار جهانی ۲۰ درصد پایین آمده است.

وخامت اوضاع و عملکرد مخرب رژیم ولایت فقیه در آنجا بیشتر آشکار می شود که این بحران خطرناک در صنعت نفت و گاز و کاهش درآمد حاصل از آن را با شرایط فاجعه بار صادرات غیر نفتی در برابر هم قرار دهیم. از همان نخستین روزهای سال گذشته، «سردار سازندگی» و «دولت خدمت گزار»، «تبلیغات کرکننده ای در باره ایجاد امکانات ضرور برای گسترش صادرات غیر نفتی به پا کردند. روزی نبود که مطبوعات مجاز از دستاوردهای «دوران سازندگی» در زمینه کاهش اتکا به نفت و افزایش صادرات غیر نفتی مطلب و گزارشی منتشر نمانند. اما واقعیت نشان می دهد همه آن هیاهوها دروغ محض بوده اند

روزنامه کیهان چاپ تهران به تاریخ ۲ بهمن ۱۳۷۵ از قول معاون رئیس اتاق بازرگانی تهران نوشت: «ظرف ۹ ماهه سال جاری بالغ بر ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار کالای غیر نفتی صادر شده است، رقم فوق نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۷۴ از نظر وزن ۲ درصد و از نظر ارزش ۳/۸ درصد کاهش نشان می دهد. قبل از این، وهاجی رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی نیز در جلسه ستاد پشتیبانی و تنظیم بازار اعلام کرده بود که: «وضعیت صادرات غیر نفتی بسیار نامطلوب است و با کاهش روبرو بوده ایم...». در این میان وضعیت صنعت بعنوان مهم ترین عامل پیشرفت کشور اسفناک است. کلیه اقلام صادرات صنعتی افت داشته اند. کمبود ارز، عدم تخصیص اعتبارات لازم، کمبود نقدینگی، استهلاک ماشین آلات، فرسودگی کارخانه ها، کمبود مواد اولیه و قطعات، مشکل حل نشده صنعت میهن ما و دلیل افت و رکود آن به شمار می آیند.

بر پایه گزارش روزنامه ایران چاپ تهران به تاریخ یکشنبه ۸ مهر ماه ۱۳۷۵، محمد رضا نعمت زاده وزیر صنایع تاکید کرده است که: «اگر نقدینگی واحدهای تولیدی تامین نشود، تولید کاهش می یابد و تورم افزایش می یابد. «قبل از این وزیر صنایع طی دیداری از شهر ساوه اعلام کرده بود که: «نبود کار و تولید مشکل همده اقتصاد کشور است.»

در سال پیش سهم صنعت در تولید ناخالص ملی نه تنها افزایش نیافت، بلکه باز هم با تنزل روبرو شد. نعمت زاده وزیر صنایع جمهوری اسلامی در گردهمایی «طراحی صنعتی کشور» که گزارش آن در کیهان ۱۰ دی ماه ۱۳۷۵ انتشار یافت متذکر شد: «هم اکنون سهم صنعت در تولید ناخالص ملی کمتر از ۱۷ درصد است... اندیشه جایگزین کردن صادرات غیر نفتی به جای صادرات فرآورده های نفتی، تنها زمانی به واقعیت می رسد که تولیدات صنعتی سهم خود را در مجموعه تولید ملی کشور به ۷۰ درصد برساند...». این اعتراف آشکار می سازد که تمامی تبلیغات «سردار سازندگی» و نیز سخنان مششع ولی فقیه در زمینه رشد صادرات غیر نفتی تا چه حد بی پایه و عاری از حس مسئولیت می

باشد. برای پی بردن به ژرفای فاجعه در صنعت ایران آخرین گزارش منتشر شده در روزنامه کیهان چاپ تهران در این زمینه بسیار افشاگرانه است، کیهان - ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۵ گزارش می دهد: «مدیر عامل شرکت لوازم خانگی پارس (این مرکز تولیدی از عمده ترین مراکز تولیدی در زمینه لوازم خانگی در ایران است) می گوید: برای سال ۱۳۷۶، ۳/۶ میلیون دلار ارز به این واحد تولیدی اختصاص داده شده است، روند افزایش قیمت لوازم بدکی قطعات و مواد اولیه ما را با مشکل روبرو ساخته است...». در بخش دیگری از این گزارش آمده است، «مدیر عامل کارخانه سپهرالکترونیک تذکر می دهد، وزارت صنایع ۵ میلیون دلار به این واحد تخصیص داده است که بسیار کم است به خاطر کمبود ارز ما هیچ گاه برنامه ریزی درستی برای تولید نداشته ایم و این امر باعث شده به ظرفیت رسمی نسیم، کمبود مواد اولیه و ارز دشواری جدی ماست...». در همین رابطه روزنامه رسالت در سر مقاله پنجم دی ماه خود می نویسد: «معاونت توسعه وزارت صنایع می گوید، تنها ۲۰ درصد از منابع مالی ناشی از صادرات نفت به بخش مولد صنعت اختصاص داده می شود که تنها بخش اندکی از آن به مصرف سرمایه گذاری ها می رسد... برای مسئولین و دست اندرکاران ذریبط، تخصیص ارز یا ریال برای خرید مواد اولیه تولید پفک نمکی به همان اندازه اهمیت دارد که خرید تجهیزات مورد نیاز طرح های زیربنایی و استراتژیک... سهم سرمایه گذاری ها به تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری برابر ۲۱ درصد و براساس قیمت ثابت تنها ۱۶/۵ درصد است.»

آمارهای منتشره در زمینه صنعت آن چنان گویا است که لزومی به تفسیر و تحلیل پیچیده ندارد. در سال گذشته رژیم ولایت فقیه بزرگترین دستاورد خود را به دست آوردن تراز مثبت تجارت خارجی قلمداد کرد. این سیاست که محصول کنترل شدید واردات آن هم به اجبار و ناخواسته بوده است، کاملاً در خدمت دلالتان و واسطه ها قرار گرفت. مواد اولیه کارخانه ها، قطعات مورد احتیاج صنایع وارد نشد اما هزارها تن و صدها هزار دلار کالای لوکس و مصرفی وارد کشور گردید و دلالتان و تجار سودهای نجومی به جیب زدند.

یکی دیگر از موارد مربوط به عملکرد اقتصادی رژیم به عدم موفقیت در مهار تورم و رشد قیمت ها بود. در سال گذشته رژیم قادر نشد به ثبات مالی - پولی دست یابد. حجم نقدینگی بخش خصوصی بنا به آمار رسمی و منتشره به بیش از ۴۵۵۰۰ میلیارد ریال رسید. آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی حاکی است که هر ماه، شاخص بهای کالاها و خدمات شهری افزایش داشته است. آمار و ارقام نشان می دهد از فاصله مهر ماه تا بهمن ماه سال پیش بر پایه برآورد منتشره از سوی اداره کل بررسی های بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات شهری هر ماه بطور میانگین تا ۵ درصد افزایش داشته است. طبق آمار موجود در دی ماه سال ۱۳۷۵ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ۱۸/۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است.

در این زمینه روزنامه اخبار چاپ تهران به صراحت نوشت: «اگر ادعا های بانک مرکزی مبنی بر کاهش آهنگ تورم واقعی باشد، قیمت کالا در سال گذشته می بایست ۵/۵ درصد ترقی می کرد، نه ۵۰ درصد. «ترقی بیش از ۵۰ درصدی قیمت ها آن واقعیتی است که در سال گذشته جمهوری اسلامی و «دولت سردار سازندگی» کوشیدند آن را با تبلیغات دروغین پنهان سازند.

در دی ماه سال گذشته برآوردی از سوی کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی انتشار یافت. این برآورد تکان دهنده حاکی است: «در حالی که هزینه متعارف زندگی برای خانوارهای شهر نشین ایرانی ۶۴ هزار تومان است، میانگین حقوق کارمندان در سال جاری (۱۳۷۵) نزدیک به ۳۳ هزار تومان است، ۷۰ درصد کارمندان دولت زیر خط فقر زندگی می کنند.»

در مورد زندگی طبقه کارگر، آمار دولتی از یک فاجعه تلخ حکایت می کند. حداقل دستمزد کارگران حتی به خط فقر قراردادی خود رژیم هم نمی

ادامه شرایط اقتصادی کشور ...

ادامه: اجلاس هفت کشور ...

هنگ کنگ را مشروط به آن داشتند. در بیانیه گفته می شود که رهبران گروه ۷ کشور به علاوه یلتسین «در انتظار انتخابات دموکراتیک نیروی مقننه در هنگ کنگ در اسرع وقت هستند». البته رسانه های امپریالیستی که این قسمت از مطالب بیانیه را برجسته و تهدیدی علیه چین می داند هیچگاه بیاد نمی آورند که چگونه در مدت ۱۵۰ سال حاکمیت بریتانیا بر هنگ کنگ هیچ حساسیتی در مورد نبود یک سیستم مقننه و قانون گذاری دموکراتیک در این کشور نداشته اند.

تمایلات برتری جویانه کشورهای شرکت کننده در اجلاس به ویژه در رابطه با موضع آنان با دولت جدید جمهوری دموکراتیک کنگو مشخص می گردد. کشورهای امپریالیستی که برای ۳۲ سال بهترین روابط را با دیکتاتور زیر، موبوتوسه سه سکو داشته اند و عملاً از او حمایت می کرده اند، اکنون از دولت جدید می خواهند که سریعاً در جهت ایجاد سیستمی مورد توافق آنان عمل نماید. بیانیه کشورهای ۸ گانه عملاً به کابینا اخطار می کند که اگر در اتخاذ رفرورم ها و سیاست های اقتصادی تجویز شده از سوی غرب سستی کند کمک برای بازسازی کنگوی دموکراتیک به زیر علامت سؤال خواهد رفت. بیانیه در رابطه پروسه صلح خاورمیانه به بحران موجود و لزوم بر طرف شدن آن اشاره کرد.

در رابطه با ایران بیانیه از انتخاب محمد خاتمی اظهار خشنودی کرد و از دولت جمهوری اسلامی خواستار خودداری از حمایت از نیروهای افراطی ضد پروسه صلح خاورمیانه شد. گزارش رسانه های خبری از تفاوت مواضع ایالات متحده و اروپای غربی در مورد موضع گیری در رابطه با ایران سخن می گویند. بیانیه دولت جمهوری اسلامی را فراخواند که به حقوق بشر احترام بگذارد، تروریسم را محکوم کند و به تهدید جان سلمان رشدی پایان دهد.

بیانیه اقتصادی صادره از سوی ۷ کشور امپریالیستی در بردارنده یک توافق بسیار عمده و مهم بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا در رابطه با تبادل محصولات الکترونیکی و کامپیوتری تکنولوژی برتر بدون نیاز به آزمایش های اضافی در مورد تطابق آنها با استانداردهای ویژه کشورها بود.

بیانیه شرحی درباره تجارت جهانی و پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال توسعه و بهبود وضعیت اقتصاد جهانی اشاره می کند. بیانیه به روسیه اطمینان می دهد که اگر در رابطه با مبارزه با فساد و تشویق به سرمایه گذاری خصوصی پیشرفت نشان دهد، کمک های بیشتری در انتظار آن خواهد بود. بیانیه مشترک ۷ کشور ضمن تبریک به ایالات متحده و بریتانیا برای حصول نرخ های رشد بالا و نرخ تورم پایین به آلمان، فرانسه و ایتالیا اخطار می کند که «موانع بر سر راه ایجاد اشتغال را» با بررسی و تغییر و بهبود سیستم های مالیاتی و تامین اجتماعی از بین ببرند.

رسد. طی گزارشی که در اغلب روزنامه های مجاز رژیم به چاپ رسید، رئیس هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران یادآور گردید: «سهم بخش کارگری از ۷۲ درصد درآمد کشور فقط ۱۲/۳ درصد است... حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال ۵۷ - ۲۱۰ ریال بود، چنانچه بخواهیم حداقل مزد روزانه کارگران در ابتدای سال ۷۵ را برآورد کنیم، آن هم براساس کاهش ۱۶۰ درصدی ارزش پول، حداقل مزد روزانه باید ۳۳۶۰۰ ریال باشد». این آمار دولتی در حالی منتشر می شود که رئیس جمهور رژیم «ولایت فقیه»، هاشمی رفسنجانی، طی یک مصاحبه اعلام کرد: «امسال (۱۳۷۵) حدود ۲۲ درصد تورم در جامعه وجود دارد و حقوق کارگران و کارمندان بیش از این رشد تورم افزایش داشته است». برپایه گزارشات انتشار یافته، علیرغم اظهارات مقامات رژیم، از جمله وزیر بازرگانی مبنی بر کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت ها، قدرت خرید مردم بسیار پایین است. در آستانه سال نو، در عید نوروز اغلب اجناس مورد نیاز مردم در شب عید نوروز از ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد. در کنار این مهم، مسئله بازپرداخت بدهی ها به معضلی جدی بدل گردیده. واقعیت این است که رژیم ولایت فقیه به پیروی از فرامین صندوق بین المللی پول، کلیه توانایی های ملی اقتصادی میهن ما را در راه بازپرداخت بدهی های خارجی به امپریالیسم سیخ کرده است. درست به دلیل همین ویژگی است که در سال گذشته صندوق بین المللی پول طی گزارشی از شرایط اقتصادی جمهوری اسلامی آن را رضایت بخش توصیف کرد. در این مورد محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات می گوید: «یکی از مهمترین دستاوردهای سیستم بانکی در طی سال های اخیر بهبود وضعیت تراز پرداخت های کشور بوده است... سهم بدهی های کوتاه مدت از روند نزولی برخوردار گردید بطوری که سهم آن در کل بدهی ها به رقم ۲۱ درصد در پایان سال ۱۳۷۴ رسید. سهم بدهی های میان مدت و بلند مدت حدود ۷۹ درصد را به خود اختصاص داد و این امر گویای بهبود وضعیت اعتباری کشورمان در سطح بازارهای بین المللی است...». چنین اظهاراتی به روشنی نشان می دهد، رژیم ولایت فقیه به فرمان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول میهن ما را به چه پرتگاه هولناکی می راند. در این زمینه کوشش برای تسریع روند خصوصی سازی، به عنوان جزء بسیار مهم «سیاست تعدیل اقتصادی» دامنه وسیع یافت. در ماه های پایانی سال ۱۳۷۵ خورشیدی اعلام شد، سرمایه گذاری و دخالت بخش خصوصی در صنعت گاز و برق بلامانع گردیده. صنعت هوانوردی به بخش خصوصی واگذار می شود. صنایع کلیدی به منظور رشد تولید در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت و غیره، در این مورد نوربخش خاطر نشان کرده است: «با توجه به جهت گیری برنامه دولت در زمینه خصوصی سازی، تلاش دولت بر آن است که پروژه های مهم و بعضاً زیر بنایی را که بخش خصوصی قادر به انجام آن است به این بخش واگذار نماید.»

بعلاوه، در مورد عملکرد رژیم در عرصه اقتصاد باید به مسئله فساد مالی گسترده و ژرف در رژیم ولایت فقیه اشاره داشت، سال گذشته در زمینه فساد مالی پرونده های بسیاری تشکیل شد. علیرضارخشنده رو، رئیس دیوان محاسبات اداری موارد متعدد رشوه، اختلاس، دزدی و غارت ثروت ملی را بازگو کرد. یکی از آخرین نمونه های فساد مالی گسترده، سخنان افشاگرانه روح الله حسینیان از چهره های پشت پرده رژیم و عضو موسس جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی است. وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: «طبق آمارهای که از بانک ها به دست آورده، یک سوم از پس اندازهای جامعه در بانک ها به کمتر از ۱۰۰۰ خانواده تعلق دارد و تمام این افراد پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی بولداری شده اند... به تجارت خارجی جمهوری اسلامی نگاه کنید، سودهای بادآورده ای از تجارت خارجی را فقط عده معدودی به دست می آورند. خوب است به فروش بعضی از کارخانه های دولتی توجه کنیم، این کارخانه ها به خانواده و نزدیکان دست اندرکاران جمهوری اسلامی فروخته شده است...»! به عبارت دقیق و به بیان روشن رژیم ولایت فقیه چنان غرق فساد مالی و چپاول ثروت همگانی و ملی است که لقب حکومت هزار فامیل برآورده آن است.

کوتاه سخن! رژیم ولایت فقیه حکومت واپس مانده ترین و ارتجاعی ترین لایه های بورژوازی ایران است که به کلی با منافع ملی و آینده مردم و میهن ما بیگانه است و جز منافع تنگ طبقاتی خود برای چیزی دیگر ارزش قائل نیست. تجربه بیش از ۸ سال حکومت «سردار سازندگی» به مثابه نماینده کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک نوین ایران نشان داده است که از این مجموعه نمی توان هیچ انتظاری جز همین شرایط فاجعه بار کنونی که به میهن ما تحمیل شده است را داشت. اساس و اهداف کوتاه مدت و استراتژیک رژیم پوسیده و ضد مردمی ولایت فقیه نه تنها در جهت برطرف کردن مشکلات کنونی نبوده و نمی تواند باشد بلکه به دلیل ماهیت طبقاتی آن عمدتاً در راه تأمین منافع کلان سرمایه داری ایران گام برمی دارد بر این اساس است که ما معتقدیم حذف این رژیم منحط و ضد ملی مهم ترین، و مبرم ترین وظیفه ملی و مردمی همه نیروهای ترقی خواه و تحول طلب است.

عظیمی در مبارزه با فقر نایل آمده است، ولی هنوز برای ریشه کن کردن فقر در این کشور وسیع راه طولانی در پیش است.

تعهد به حفظ برتری صهیونیسم

اجلاس استراتژیک و با اهمیت مقامات عالی رتبه نظامی آمریکایی و اسرائیلی که هر دو سال یکبار انجام می گیرد، در اواسط خرداد ماه در تنابنا در شمال تل آویو برگزار شد. بر طبق گزارش روزنامه اسرائیلی اورشلیم بست موضوع عمده این مذاکرات که از روز ۱۴ خرداد ماه آغاز شد در رابطه با نیاز نیروهای دفاعی اسرائیل به حفظ «برتری کیفیتی» آن بود. دیوید ایوری، مشاور ویژه وزیر دفاع اسحق مورداخی، رهبری طرف اسرائیلی را در گفتگو با گروه افسران نظامی آمریکا به رهبری تارمکنامارا، معاون وزارت خارجه، به عهده داشت.

ایالات متحده از دیر باز خود را متعهد به حفظ «برتری استراتژیک» اسرائیل در مقابل اعراب نموده است. اسرائیل از این تعهد جهت دریافت تکنولوژی پیشرفته تسلیحاتی و مخالفت با فروش تسلیحات مدرن آمریکایی به کشورهای عربی و با در اختیار گذاشتن عکس های ماهواره ای به این کشورها از سوی ایالات متحده استفاده کرده است.

نتیجه انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران از موضوعات مهم در بحث های دو طرف بود. منابع برجسته اسرائیلی گفتند که تل آویو از شرایط کاخ سفید برای بهبود روابط ایالات متحده با ایران خشنود است. وزارت دفاع اسرائیل گفت که دو طرف زمان زیادی را روی بحث در مورد «تروریسم منطقه ای» و برنامه های تسلیحاتی ایران و به ویژه کوشش های این کشور برای دستیابی به موشک های دوربرد و سلاح های غیر متعارف صرف نمود. منابع دیپلماتیک اظهار داشته اند که ایالات متحده و اسرائیل در مورد تهدید نظامی بالقوه ایران برای همه همسایگان آن کاملاً هم عقیده هستند.

اجلاس مقامات نظامی آمریکا و اسرائیل همچنان به ادامه تحریم اقتصادی علیه ایران و عراق تاکید کرده است. گروه های کاری مشترک گزارش هایی را در مورد تمرینات مشترک همکاری های لجستیکی و دیگر همکاری ها بین موسسات دفاعی دو کشور ارائه دادند. ایالات متحده تعهد خود را به حفظ برتری کیفی نظامی اسرائیل در آینده تکرار کرد.

گرفته است که دلیل آن خودداری اسرائیل از اجرای توافق است».

از سوی دیگر یک موسسه پژوهشی و مشاورت سیاسی به نام «شورای روابط خارجی»، از دولت کلینتون خواست که سیاست کنونی آمریکا را تغییر دهد و نیاز به اتحاد یک دولت مستقل فلسطین را قبول کند. در گزارش ۲۶ خرداد این شورا گفته می شود که اقدامات تدریجی به منظور ایجاد اعتماد دیگر عملکرد ندارد: «زمان آن فرا رسیده است که دو طرف چارچوبی را برای موضوعات مطرح در وضعیت نهایی تعیین کنند». و اضافه می کند که: «یک کشور فلسطینی، هر چقدر هم که حاکمیت آن محدودیت داشته باشد، جزء ضروری چنان چارچوبی است».

توفیق در فقر زدایی

بر طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل که در آخرین هفته خرداد ماه منتشر شد چین توده ای توانسته است در ۴۵ سال گذشته موفقیت های تحسین آمیزی در مقابله با فقر در جامعه چین داشته باشد. در گزارش سال ۱۹۹۷ توسعه انسانی این آژانس سازمان ملل گفته می شود که در فاصله بین ۱۹۴۹ و ۱۹۹۵ چین توانسته است میزان مرگ و میر نوزادان را از ۲۰۰ مورد در هر ۱۰۰۰ کودکی که به دنیا می آید به ۴۲ مورد تقلیل دهد و همچنین میزان متوسط عمر را از ۳۲ سال به ۶۹ سال افزایش دهد. در گزارش آمده است: «امروزه تقریباً همه کودکان به مدرسه می روند و بیسوادان در میان بزرگسالان که در سال ۱۹۵۰ حدوداً ۸۰ درصد بود به زیر ۱۹ درصد تقلیل یافته است». گزارش دو صفحه خود را به پیشرفت قابل توجه چین در مبارزه با فقر اختصاص داده است. در سال ۱۹۷۸ دولت که از فقر در مناطق روستایی نگران بود تحقیق ویژه ای را سازمان داد و معلوم شد ۲۶۰ میلیون از جمعیت این مناطق یعنی قریب یک سوم جمعیت روستایی، زیر خط فقر زندگی می کنند. از آن زمان تاکنون دولت چین اقدامات ویژه ای را برای مقابله با فقر در مناطق روستایی انجام داده که شامل اصلاحات ارضی و رفورم قیمت محصولات زراعی است. در اواسط سال ۱۹۹۵، تعداد جمعیت روستایی که در فقر زندگی می کنند به ۶۵ میلیون کاهش یافته که خود به معنی کاهش ۷۵ درصد فقر در طول ۲۰ سال اخیر است. علی رغم این موفقیت ها چین هنوز با مسایل متعددی در رابطه با فقر روبرو است.

• حدود یک سوم مردم مناطق روستایی دسترسی به منابع کافی آب آشامیدنی ندارد.
• خدمات درمانی در مقایسه با شهرها در سطح پایین تری قرار دارد.

• بیش از ۲ میلیون کودک در سال ۹۲-۱۹۹۱ در مدارس ثبت نام نکرده اند.

گرچه چین در ده های اخیر به پیشرفت های

رویدادهای جهان



عقب نشینی طالبان

پیشروی نیروهای ضد طالبان، جنبش بنیادگرایان ارتجاعی افغانستان را مجبور کرده است که از مناطق کلیدی در شرق ایالت کونار در مجاورت مرزهای پاکستان عقب نشینی کند. تشکیل دولت رقیب در بخش هایی از کشور افغانستان که تحت کنترل اتحاد نیروهای ضد طالبان و ژنرال عبدالملک می باشد نمایشگر اعتماد به نفس این نیروها است. در کابل مقامات رسمی طالبان «عقب نشینی تاکتیکی» نیروهای خود را در مقابل تهاجم جدید به رهبری نیروهای تحت فرماندهی احمد شاه مسعود تصدیق کردند.

به دنبال شکست مذاکرات صلح، جبهه ضد طالبان که با پیوستن ژنرال عبدالملک تقویت شده است، حملات خود را بر ضد مواضع نیروهای وابسته به طالبان که از سوی پاکستان و ایالت متحده حمایت می شود، افزایش داده اند. جبهه نیروهای ضد طالبان در حال حاضر مرکب از نیروهای وابسته به رئیس جمهور سابق برهان الدین ربانی، میلیشای ژنرال ملک و جنبش اسلامی شیعه در قالب حزب وحدت اسلامی می باشد.

تعمیق بحران

بحران همه جانبه حاصل از بن بست پروسه صلح خاورمیانه به اوج گیری جدید زد و خورد بین نیروهای مردمی و ارتش اشغالگر اسرائیل انجامیده است، در جریان درگیری های اخیر در شهر الخلیل صدها جوان فلسطینی زخمی شدند. گسترش این موج خشونت به دنبال اعلام قطعنامه ای است که ایالات متحده به تصویب رسانده است. این قطعنامه «اورشلیم متحد و یکپارچه» را به عنوان پایتخت اسرائیل شناخته است. این موضع گیری آشکار به نفع اسرائیل باعث خشم مردم در سراسر مناطق اراضی اشغالی و محدوده «خودگردان دولت فلسطین» گردیده است. جهان عرب قطعنامه مزبور را متفقاً محکوم می کند.

یاسر عرفات، رهبر حکومت خودگردان فلسطین، به دنبال یک جلسه ملاقات با شیمون پرز نخست وزیر سابق از حزب کارگر اسرائیل نگرانی عمیق خود را از اوضاع با سخنان زیر ابراز نمود: «بحران عمیقی پروسه صلح را در بر

«گرایش به چپ در صحنه سیاست اروپا»

به قلم ویلیام پومروی

به نقل از نشریه هفتگی «جهان هفتگی مردم»

پیش از موعد افزایش یافت. هدف آشکار انتخاب مجدد دولت مورد نظر او این بود که بتواند به نام مردم کاهش های وسیع تری در هزینه های اجتماعی انجام دهد و کسری بودجه کمتر از ۳ درصد را تامین کند.

انتخابات آینده آلمان به دنبال اعتصاب ها و اعتراض های توده ای علیه اقدام های ضد سیستم رفاه اجتماعی از طرف رژیم هلموت کهل انجام خواهد گرفت. حزب سوسیالیست دموکراتیک که عمیقاً درگیر مبارزه ای درونی بر سر تعیین رهبریش از طرف دو جناح چپ و راست حزب است مشخصاً از تمایلات و روحیه توده های مردم آلمان عقب مانده و اگر هم در جهت پایان دادن به رژیم کهل مبارزه کند، بی شک بخاطر فشارهای آن جناح چپ است.

تونی بلیر همانطور که در سخنرانی خود در کنگره احزاب سوسیالیست در مالمو نشان داد، در تلاش است سوسیالیست های اروپا را به خط حزب کارگر «نوبل» جلب کند او با ظاهری احساساتی فریاد برآورد: «ما باید خودمان را مدرنیزه کنیم و یا اینکه مرگ را پذیرا شویم». منظور او از مدرنیزاسیون کنار گذاشتن سیاست ها و اصول سوسیالیستی و دنبال کردن سیاست سازش طبقاتی و اقتصاد بازار است.

بلیر می گوید که این خط مدرنیزاسیون او بود که موجب پیروزی یک پارچه در بریتانیا گردید ولی این پیروزی در حقیقت به دلیل رد شدن سیاست های طرفدار سرمایه داری بزرگ، ضد کارگری و ضد سیستم رفاه اجتماعی دولت های محافظه کار تاچر و میجر از سوی توده ها بود. جنبش کارگری انگلیس در مقابل کوشش های بلیر برای دور کردن حزب کارگر از این جنبش مقاومت می کند و اتحادیه های کارگری بریتانیا، مستمندان، بازنشستگان و بیکاران از دولت حزب کارگر طلب می کنند که به نیازهای آنان پاسخ

ادامه در ص ۳

است و نیز افزایش تعداد نمایندگان در جریان انتخابات پارلمانی اخیر در یونان، اسپانیا، قبرس، نمود دارد. این حقایق به بهترین وجهی ادعایی که سوسیالیسم را مرده و فاقد جذابیت معرفی می کند، باطل می سازد.

آنچه که صحنه سیاست در اروپا را به چپ کشانده و برای احزاب چپ آرایی اضافه کرده احساسات توده ای علیه تقلا سرمایه داری برای اعاده ابتدایی ترین اشکال استثمار و سودجویی حریصانه و در عین حال اقدام برای از بین بردن دستاوردهای اجتماعی ای است که مردم زحمتکش زیر چتر سیستم سوسیالیستی جهانی کسب کرده اند.

توده ها از افزایش فاصله عظیم بین ثروتمند شدن یک عده معدود و فقر افزایش یافته ۳۰ درصد یا بیشتر از جمعیت اروپا که در زیر خط فقر زندگی می کنند شدیداً ناراضی هستند این ناراضی علیه وجود ۱۸ میلیون بیکار در اتحادیه اروپا و در عین حال علیه پایین نگاه داشتن سطح حقوق آنهاست که شاغلند. این ناراضی علیه تهاجم علنی و نابودی سیستم رفاه اجتماعی... این امر علیه خصوصی سازی بخش عمومی و افزایش قیمت خدمات به منظور تامین سوده های کلان برای صاحبان جدید است.

در کشورهای اتحادیه اروپا یک موج روبرو رشد اپوزیسیون شکل گرفته است که قرارداد ماستریخت اتحادیه اروپا را هدف قرار داده است. قرارداد ماستریخت متوجه تمرکز ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد یک واحد پولی مشترک در سطح اتحادیه اروپا تا قبل از پایان قرن اخیر و تمرکز سیاست اقتصادی از طریق یک بانک مرکزی اروپایی است که عمدتاً مردم را از روند دموکراتیک دور می سازد، است. به منظور برآوردن شرایط تعیین شده برای پیوستن به واحد مشترک پولی از جمله کاهش کمی بودجه به کمتر از ۳ درصد است که هزینه های رفاه اجتماعی یا به کلی از بین رفته اند و یا وسیعاً کاهش یافته اند. ماستریخت عملاً در بردارنده کاهش های وسیع در مصارف عمومی است.

قبل از پیروزی احزاب چپ در فرانسه، تظاهرات و اعتصابات توده ای علیه کاهش هزینه های اجتماعی و اقدامات محدود کننده دستمزدها توسط دولت گلیست ژاک شیراک مدت ها در جریان بود. خشم توده ای با عمل شیراک به فراخواندن یک انتخابات

پیروزی انتخاباتی درخشان و خارج از تصور اتحاد احزاب چپ فرانسه در روز ۱۱ خرداد بخشی از یک گرایش سیاسی توسعه یافته در اروپا است که سرود خوانی پیروزمندانه مداحان سرمایه داری در انتهای جنگ سرد را خاموش می کند. این گرایش با قدرت گیری مجدد احزاب سوسیالیست و کمونیست و احزاب رادیکالی که حاضرند با آنها متحد شوند دروغ بودن این ادعا را نشان می دهد که سرمایه داری برتری خود را به اثبات رسانده و سوسیالیسم و جنبش های سوسیالیستی مرده اند.

یک دولت به رهبری حزب سوسیالیست و عضویت کمونیست ها در کابینه نخست وزیر لئونل ژوسپین برجسته ترین نمونه چنین تحولی است لیکن این یک استثنا نیست. در ۱۱ کشور اتحادیه اروپا دولت هایی با رهبری سوسیالیست ها و یا با حضور سوسیالیست ها در ائتلاف حکومتی بر سر کار هستند: (پرتغال، یونان، ایتالیا، سوئد، دانمارک، هلند، اتریش، فنلاند، بلژیک، لوکزامبورگ و ایرلند).

حتی نخست وزیر دست راستی بریتانیا خود را نوعی سوسیالیست می خواند و دولت حزب کارگر «نوبل» او بخشی از این چرخش به سمت چپ محسوب می شود. در اتحادیه اروپا فقط آلمان و اسپانیا هستند که دارای دولت های محافظه کار هستند. در انتخابات آلمان که قرار است در اکتبر ۱۹۹۸ انجام گیرد احتمالاً حزب سوسیال دموکراتیک به قدرت خواهد رسید.

نگاهی به این رخدادها در اروپا روشن می کند که هیچ برنامه و یا برخورد مشترک و یا کوششی در جهت اقدام هماهنگ برای تغییر رادیکال صحنه سیاسی در اروپا وجود ندارد. احزاب سوسیالیستی که نقش برجسته ای در این گرایش بازی می کنند مدت های مدیدی است که ایدئولوژی مارکسیستی و هرگونه تعهدی به تغییر انقلابی جامعه به سوسیالیسم را کنار گذاشته اند و دربر دارنده درجات مختلفی از رفورمیسم هستند.

در کنگره احزاب سوسیالیست اروپا که در ۱۶ خرداد ماه در شهر مالمو- سوئد برگزار شد، تونی بلیر و لئونل ژوسپین در دو قطب کاملاً متفاوت و مجزا قرار داشتند گرچه هر دو احزاب کارگر و سوسیالیست پیروزی های عمده انتخاباتی کسب کرده اند.

در گرایش موجود، بهترین شاخص جو ایجاد شده در اروپا را می توان در بازپس گیری دوباره موقعیت قبلی توسط احزاب کمونیست دید. این امر به ویژه در جهش تعداد کرسی های پارلمانی حزب کمونیست از ۲۴ به ۳۸، افزایش ادامه یافته توان انتخاباتی حزب کمونیست روفونداسیون (احیاء) ایتالیا و اینکه این حزب موازنه قدرت را در پارلمان ایتالیا برقرار ساخته

کمک های مالی رسیده

۵۰۰ مارک

درا راه کنگره

از بولین به مناسبت اول ماه مه ۲۶۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:509

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

1 July 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک